

## چشم انداز دموکراسی و انتخابات آزاد در ایران



علی اصغر سلیمی  
تیر ماه 1386 / ژوئیه 2007  
a.salimi@web.de

### گفتار سوم: چيستی گذار دموکراتیک و انتخابات آزاد

از دیدگاه وجود اجتماعی نظام سلسله مراتبی و عمودی قدرت ریشه تاریخی در فرهنگ و ادیان و فلسفه ایرانی دارد. آثار تبعی و اجتماعی و سیاسی این دیدگاه تاریخی در اقتدارگرایی، نظام آمریت و قیم مآبی و در گفتمانهای تاریخی قدرت یعنی در گفتمان پاتریمونیالیستی سنتی و گفتمان شبه مدرنیسم پهلوی و گفتمان سنت گرائی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی تجسم و تجلی یافته اند.

گفتمان پاتریمونیالیستی سنتی گفتمان مسلط سیاسی در عصر قاجار بوده است. از عناصر نظریه شاهی - نظام آمریت عمودی قدرت، نظریه سیاسی شیعه به قرأت صفویه و نظام پدرسالارانه قبیله‌ای دوره قاجاریه تشکیل می‌یافت. اندیشه اقتدار پدرسالارانه و مرکزیت شاه بعنوان مالک جان و مال مردم جایی برای مشارکت و نقش فردیت و آزادی عمل و اندیشه و مشارکت و همپرسی مردم باقی نمی‌گذارد. با شروع انقلاب مشروطیت همراه با گسترش و ژرفش اندیشه‌های آزادیخواهانه، زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی - سیاسی جهت گسترش گفتمان مشروطه، مدرنیته، قانونگرایی، آزادی، ایجاد دولت مدرن، ثبات و نظم و امنیت فراهم آمده و گفتمان پاتریمونیالیستی همراه با پایان دولت قاجار توان مقاومت در مقابل گفتمانهای جدید ایران قرن بیستم را نداشت. اما اجزا و عناصر معینی از این گفتمان در گفتمان شبه مدرنیسم پهلوی تداوم یافتند. گفتمان شبه مدرنیستی پهلوی از عناصر ترکیبی نظریه ایرانشهری و شاهی ایرانی، عناصری از پاتریمونیالیسم سنتی، توسعه و نوسازی از بالا، قانونگرایی، استقرار ثبات و نظم و امنیت، تکوین دولت مدرن و ناسیونالیسم ایرانی تشکیل می‌یافت. در این گفتمان در ابتدا عقل گرائی در شخصیت کاریزماتیک رضاشاه و سپس در شکل اقتدار فردی و مطلقه محمدرضا شاه، بجز دوره کوتاهی که به دولت ملی مصدق منتهی شد (بین سالهای 20 تا 32) تجلی می‌یافت. در این دوره اما مبنای قانونگرایی، حفظ تمامیت قانون مشروطیت نبوده است. عرف گرائی (سکولاریسم) و توسعه اقتصادی در اقدامات و سیاستهای تدریجی و آمرانه و غیر دموکراتیک تحقق یافته و در نتیجه اصناف، تجار بازار و قشرهای سنتی و روحانیون و اقلیتهای قومی از این سیاستهای نوسازی آسیب دیده و از سوئی دیگر ارتش، حزب واحد و اقتدار مطلقه جایی برای مشارکت و همپرسی و انتخابات و آرای آزاد مردم باقی نمی‌گذارد. علیرغم همه این ناموزونیها اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دوران حکومت پهلوی به نیازهای جامعه از قبیل امنیت، شکلیابی و تکوین نسبی دولت مدرن در مراحل معینی از توسعه اقتصادی و اجتماعی پاسخ گفت. اما جوانب منفی و مخرب این گفتمان با واکنش سخت و پرهزینه‌ای مواجه شد که هنوز گریبان ملت را رها نکرده است. گفتمان سنت گرائی ایدئولوژیک و بنیادگرایی مذهبی در دو دهه آخر حکومت محمدرضا شاه هرچه بیشتر شکل یافته و با انقلاب 57 به عنوان گفتمان مسلط به همه حیات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی ایران احاطه یافت. نظریه سیاسی شیعه صفوی با نظریه ولایت مطلقه فقیه آیت الله خمینی درهم آمیخت. عناصری از پاتریمونیالیسم سنتی و نظام آمریت و قیم مآبی با وجوهی از گفتمان شبه مدرنیسم پهلوی؛ پارلماناریسم، نخبه گرائی و تمرکز قدرت سیاسی ترکیب گردید و نظام اقتدارگرائی فقیهانه جایگزین دولت مطلقه شاه شد. گفتمان سنتی و ایدئولوژیک فقه‌آهی با لیبرالیسم، پلورالیسم، جامعه مدنی، دموکراسی، ناسیونالیسم و تمدن ایرانی در تضاد و چالش قرار دارد و در آغاز با کاریزمای خمینی درهم آمیخته و معنا می‌یافت. با پایان این کاریزما اقتدار سنتی توسط جانشین او تداوم یافت. گفتمان دموکراسی خواهی اما در صد و پنجاه سال اخیر در واکنش به گفتمانهای فوق به اشکال مختلف در جامعه ما ظهور یافته و گفتمان مسلط را به چالش خوانده است، یکی از شکلهای آن گفتمان مشروطه خواهی است که اجزاء آن شامل تحدید قدرت شاه، مشارکت سیاسی مردم، قانونگرایی و رقابت احزاب می‌شد. در تداوم این گفتمان در سیاستهای دولت ملی مصدق، حاکمیت ملی و ملت، دولت حقوق مدار او، در دوره حکومت موقت بازگان و ریاست جمهوری بنی صدر، علیرغم همه کارشکنی‌های آیت الله خمینی و دستگاه روحانیت، و نیز در برخی از اقدامات دوره اصلاحات از 76 به بعد متجلی گردید. نیاز جامعه ایران به

دموکراسی نه صرفا به لحاظ تاریخی و رسوخ و نفوذ گفتمان دموکراسی در شعور تاریخی و اجتماعی مردم است، بلکه از ضعف و خلاء نسبی و عدم انطباق گفتمان فرتوت سنت گرانی ایدئولوژیک بر جامعه پرتب و تاب ایران قرن بیست و یکم ناشی می‌شود و ضرورت می‌یابد. جامعه ما به لحاظ ساختاری به کثرت گرانی، دموکراسی، لیبرالیسم و اصلاح روشمند حیات اجتماعی نیاز مبرم دارد. علاوه بر آن تحولات سه دهه اخیر که بر اثر موج سوم دموکراسی در جهان و در کشورهای گوناگون رخ داده چهره جهان امروز را تغییر داده است. جهان قرن بیست و یکم و مردم ایران دولت و حاکمیت قرن نوزدهمی ایران را برنخواهند تابید. از این جاست که فلسفه وجودی و چیستی دموکراسی و گذار دموکراتیک و فراروئی انتخابات نمایشی و غیردموکراتیک به انتخابات آزاد و دموکراتیک معنا و مفهوم می‌یابد.

### گفتار چهارم: چرانی و ضرورت انتخابات آزاد

کاهش بیش از پیش مشروعیت و اقتدار رژیم جمهوری اسلامی و ناکارآمدیهای او در همه عرصه‌ها و سیاست بین المللی و تنشها و اختلافات و اختلالات درونیش، میهنمان را در خطر جنگ و هرج و مرج، آشوبها و طغیانهای گسترده داخلی قرار داده است. تحریمها و تهدیدهای دولتهای دیگر بر بستر اعمال ماجراجویانه تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی خطر حمله نظامی و محاصره جدی اقتصادی را بطور روزافزون تشدید کرده اند.

در چنین شرایطی شکل گیری اپوزیسیون نیرومند و متحد مدنی و گسترش ائتلافهای ضروری در بین نیروهای لیبرال - دموکرات و ملی و چپ بر بستر جنبشهای خود انگیزه سیاسی، مدنی و صنفی و حرکات اعتراضی زنان و جوانان و مناطق محروم کشور و جهت هدایت و رهبری هوشمندانه و سریع و پرتحرک این جنبشها نیاز و فوریت دارد. جنبشها و اعتراضات بدون یک گفتمان حقوق - محور که تفاوتها و مخالفتها را در جهت قانونمند و هدفمند هدایت می‌کند، خود بخود به یک جنبش دموکراتیک فرا نمی‌رویند. پیکار اجتماعی در سالهای اخیر برای خواسته‌ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و دفاع از حقوق بشر در بین اقشار گوناگون در داخل و خارج ایران گسترش یافته اند. این پیکار باید به مبارزه پرشور و گسترده دفاع از حقوق شهروندی بطور مشخص و معین در هم آمیزد. شعار انتخابات آزاد در مقابل انتخابات نمایشی و فرمایشی و غیر دموکراتیک رژیم می‌تواند این تلاش گسترده ملی را پربارتر و غنی تر نماید.

شعار انتخابات آزاد در همه سطوح بیانگر ماهیت و جوهر دموکراسی است و بعنوان زبان قاطع و روشن مردم در مقابل اراده ولایت فقیه و رد و نفی نظارت استصوابی قد علم می‌کند و انتخابات را نه در سیاستهای اجرائی و تعیین نمایندگان بلکه در زمینه انتخاب ارگانهای نظارتی و ارکان کشور تعمیم و گسترش خواهد داد. حاکمیت فقیه و ولایتش در ایران باید به چالش کشیده شود و اراده مردمی باید تا حد انتخاب اصلی ترین و بالاترین مرجع قدرت اوج گیرد. در این راستا باید هیچگونه ابهام، ابهام و گریزی باقی نماند. نیروهای "اصلاح طلب" حکومتی و احزاب و سازمانهای حاشیه رژیم و حتی اپوزیسیون ناپایدار باید زبان و برنامه خود را شفافتر کنند و به اراده ملت در جهت تامین خواستههای تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تحقق نیافته از مشروطیت تا کنون یعنی حاکمیت ملی و مردمی و دولت حقوق مدار تن در دهند. طرح شعار انتخابات آزاد از سوئی دیگر در مهار و هدایت صحیح جنبش خود انگیزه و خشونت آمیز اقشار ناراضی مردم نقش مهمی ایفا خواهد کرد. مردمی که به ستوه آمده اند و در صورت انفجار و طغیان اجتماعی در لحظات پرتلاطم به ارکان جامعه و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت حمله ور خواهند شد. این اقشار در صورتیکه راه حلهای دیگری را بشناسند و حامیان جدی داشته باشند کمتر به خشونت و انهدام دولت و جامعه کشیده خواهند شد. راه و ایده انتخابات آزاد بر بستر نافرمانی عمومی مدنی و گسترش اعتراضات و تظاهرات و میتینگها و اجتماعات هدفمند موجب گسترش آگاهیهای فردی و اجتماعی خواهد شد. مردم در شرایطی که سلطه و اقتدار حاکمیت آسیب جدی دیده است و استقلال و تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور در خطر جدی واقع شده است، می‌توانند خود به اتکاء رهبرانشان حاکمیت و نظام دموکراتیک را بر پا دارند.

### گفتار پنجم: چگونگی فراروئی به گذار دموکراتیک و انتخابات آزاد

رژیم جمهوری اسلامی در طی سه دهه سلطه با اعمال اقتدار ایدئولوژیک - سیاسی و قهر و سرکوب، دولت و قدرت سیاسی را به شکل مارپیچی و دالان تودرتو و پیچیده‌ای درآورده است که در راس اضلاعش می‌توان هریک از اجزای ایدئولوژیک و ساختار حکومتی و یا کارکردهای غیر دموکراتیک و غیر مردمی را

مشاهده کرد. این دالان تودرتو و ماریپیچ نقش تولید و بازتولید اقتدار، سرکوب، ارباب و عامل فقر و بی عدالتی بعهدہ دارد و عامل تخریب آزاده ملت و اپوزیسیون را دارد و در نهایت نابودی خود و کشور را تدارک دیده است. جهت رهایی از این مخمصه تاریخی و اوضاع سخت درهم پیچیده، ملت ایران باید از تمامیت ظرفیت بالقوه و بالفعل و شعور تجربه و تاریخی خود بهره بگیرد و جوانان قهرمان کشور و زنان مبارز میهنمان و مردمان آگاه باید دندان به جگر بگذارند و از این دالان و دایره شیطنانی بگذرند و به بیرون راه بکشایند و کشور را از خطر جدی برهانند. در چنین شرایطی، راهگشائی در وهله اول به معنای تمرکز معنوی و ابتکار و خلاقیت و مستلزم عشق و علاقه به میهن و مهرورزی متقابل مردمان و اعتقاد و باور راستین جامعه به خویش جهت یک رستاخیز ملی از طریق خرد جمعی کاربند و اراده ملی و از خودگذشتگی است.

مردم ایران می‌توانند، رستاخیز ملی و گذار دموکراتیک را از طریق رشد و گسترش آگاهی‌های فردی و اجتماعی و امکان تجهیز هرچه بیشتر به اطلاعات، بیداری هرچه بیشتر وجدانهای آزاد، با کوشش آگاهان و کارشناسان مختلف توسط نقد و روشنگریهای کارشناسانه، بوسیله ارتباطات گسترده در بین گروههای مردمی و افشاری که منافع مشترک دارند، اقدام دسته جمعی برای دفاع از حقوق مشترکشان در واحدهای روستائی - شهری - منطقه‌ای - استانی (مثل نیازهایی از قبیل آب و برق و نیازهای عمومی و فوریتی دیگر)، ابتکار ملی در دفاع از حقوق زنان که زنان کشورمان در تدارک وسیع آن می‌باشند، اقدامات گسترده و پیگیرانه و قهرمانانه جوانان و دانشجویان کشورمان و ... و خلاصه از طریق دفاع از حقوق بشر و حقوق شهروندی و ضرورت انتخابات آزاد علنی و منصفانه تحت نظارت سازمانهای بین‌المللی تدارک ببینند. این رستاخیز ملی بدون گسترش این جنبش‌های اجتماعی که مجهز به فکر و اندیشه و گفت‌وگوهای دموکراسی خواهند شد، امری محال است.

رستاخیز ملی از طریق نصیحت به زمامداران حکومتی و طلب یاری و همدردی از آنان و برانگیختن رحم و مروت و جوانمردی "اصلاح طلبان حکومتی" مقدور و ممکن نخواهد بود. آنها نیز در این دالان تودرتو و در نقش و فونکسیون معینی واقع شده‌اند و چنین ریسک و خطری را، به تجربه دیده ایم که نخواهند کرد. تا بحران مشروعیت و کارآمدی و همبستگی رژیم به حد بحران استیلا و سلطه و اقتدار نظام فقیه - پاسدار نیانجامد، امکان کمک موثر "اصلاح طلبان" دولتی امری خیالی است. آنها اگر یک گام به پیش بردارند، دو گام به پس بروا خواهند داشت تا مورد خشم و انزجار و تصفیه فقیه - پاسدار واقع نشوند.

مردمی که به جنبش می‌آیند، خود را هر روز قوی تر و دیوارها و پایه‌های مستحکم رژیم را لرزاتر خواهند کرد. باید همه واقعیت و همه حقیقت و همه خواسته‌های اصلی را در مورد ضرورت پایان دادن به رژیم به مردم گفت. باید با شهامت از نفی ولایت فقیه تا نفی قانون اساسی کنونی، تا برچیده شدن شورای نگهبان، تا انحطاط و بیهودگی کابینه‌ها و ریاست جمهوری‌ها، تا خطر هر چه بیشتر نظامی و فاشیستی شدن ارکان سیاسی و اجتماعی کشور را شناساند و مردم را در هر دوره انتخابات تا نزدیکیهای انتخابات، دعوت به دادن شعار انتخابات آزاد کرد و نباید هراسی را به دل راه دهیم که آنها بر اثر شعارهای ما شکار رژیم و "مصلحان" مردم و یا ترغیب‌باز واقع میشوند. مردم در سالهای اخیر با تحریمها و اعتراضات و مقاومتها و مخالفت‌هایشان مشروعیت رژیم را بارها به زیر سؤال کشیده‌اند. شعار انتخابات آزاد باید از نقطه زمانی معینی شروع شود. مردم می‌توانند در سطح شهر و روستا در بین اقشار و اصناف گوناگون برای نمایندگان مجلس و در سطح کشور برای انتخابات ریاست جمهوری کسان مورد اعتماد خودشان را شناسائی کرده و از آنان مصرانه بخواهند که در راه دفاع از خواسته‌های شهری - منطقه‌ای - استانی کشوری و یا خواسته‌های صنفی (در قشرهای گوناگون کارگران، معلمان و ...) بکوشند. بدین ترتیب باید جبهه‌ای به گستردگی کل ایران باز کرد. شهروندان خارج از کشور می‌توانند این جبهه را در بین جوامع و سازمانهای بین‌المللی گسترش داده و کمکها و پشتیبانی آنان را طلب کنند، همانگونه که روزگاری دفاع از برچیدن آپارتاید جهانی شده بود.

در صورتیکه رژیم هر یک از کاندیداهای نمایندگی را حذف کند، که در دوره‌های گوناگون کرده است، و هم اکنون نیز حتماً به تصفیه‌های فله‌ای دست خواهد زد. باید در همانجا شرکت نکردن در انتخابات آزاد را شعار داد. باید از بین شخصیت‌های ملی و فرهنگد کشور زنان و مردان را به قبول کاندیدائی ریاست جمهوری تشویق و ترغیب کرد و از آنان خواست که در راه ترویج برنامه‌های شان به گسترش آگاهی‌های فردی و اجتماعی و به شناخت و تجهیز مردم به نظرات راهبری و برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بکوشند.

این امر غیر از تجهیز و متشکلتر شدن فکری و سازمانی در بین مردم، حداقل تأثیری که خواهد داشت منجر به فشار به رژیم و دولتمردان و تن دادن اجباری آنان به تغییراتی در برنامه‌هایشان خواهد شد. امری که در صورت گسترش و در مراحل پیشرفته‌اش به نوعی به افزایش رقم دولتمردان معتدل تر و یا غیر محافظه کار در رژیم کمک خواهد کرد. فراموش نکنیم هر چه در دو سوی رژیم و اپوزیسیون رادیکالیسم و افراط گرایی و

تندروی بیشتر رشد کند، شدت عمل و خشونت در جامعه امکان بیشتری خواهد یافت و هر چه اعتدال و میانه روی و بگونه‌ای فضای گفتگو بست و رواج یابد امکان گذار دموکراتیک بیشتر خواهد شد.

ایده انتخابات آزاد در کشورمان بدون آزادی زندانیان سیاسی، بدون رفع اتهام از تبعیدیان کشور، بدون آزادی مطبوعات و برچیدن ممیزی (سانسور) از نشر و ترویج کتاب، بدون آزادی وب نوشتها، بدون آزادی احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی - مدنی و بدون برپائی اجتماعات و میتینگها و بدون نظارت سازمانهای بین المللی بر انتخابات ممکن نخواهد شد.